

بانوی کوهستان تمام تلاش خود را در جمله‌ای خلاصه کرد:

(زن ایرانی میتواند)

لیلا اسفندیاری قهرمان و شیر زن کوهنوردی ایران در هیمالیا جاودانه شد



از روز جمعه ۳۱ تیر، پیکر لیلا اسفندیاری در ارتفاعات هیمالیا و بین شکاف های یخی آرام گرفته است. زنی که صعودهای زمستانی اش از مسیرهای مختلف به دماوند و صعودش از دیواره علم کوه، فقط گام های نخست او در بلندپروازی های بی نظیرش در این رشته ورزشی بود.

اولین زن ایرانی بود که «نانگاپاربات ۸۱۲۶ متری» به عنوان دومین قله دشوار جهان را فتح کرد و در همان صعود، سرپرست گروهی بود که تمام اعضایش مردان زبده کوهنوردی ایران بودند.

باز به عنوان اولین زن ایرانی به انتهای غار پراو در کرمانشاه رسید و صعودش به یخچال دره یخار نیز موفقیت آمیز بود.

برایش غار و صخره و کوه و یخچال تفاوتی نداشتند. قصد داشت پیمایش عمیق‌ترین غار دنیا در سوچی روسیه را داشت اما پلیس روسیه به ایرانی‌ها اجازه نمی‌داد وارد آبخازیا شوند.

در صعود به قله «کی دو» هم تا آستانه موفقیت کامل پیش رفت. قله هشت هزار متری گاشربروم ۲ آخرین نقطه‌ای بود که او بر آن گام گذاشت. جایی که حتی زنده‌ترین کوهنوردان جهان، برای برداشتن هر قدم باید پنج بار نفس بکشند.

عبدالعظیم برهمنی از کوهنوردان تیم ملی ایران، مقصر اصلی این اتفاق تلخ را کارگر ارتفاع بالای لیلا می‌داند و می‌گوید: «کارگر ارتفاع بالای لیلا هیچ کمکی به او نمی‌کرد؛ به نحوی که وقتی من برای لیلا چای آماده کردم، کارگرش حتی در کنار چادر هم نبود، چه برسد به این که در موقع لازم بتواند به لیلا اسفندیاری کمک کند».

لیلا دیسک کمر داشت و جراحی هم کرد. گویا ریسک این عمل به قدری بالا بوده که خطر فلج شدن را هم در پی داشته اما لیلا با تمام مصائب مالی که او را در تنگنا قرار داده بود؛ نه تنها بر این عارضه غلبه می‌کند، بلکه ارتفاعات هیمالیا را هم زیر پا می‌گذارد.

سیمای لیلا؛ آن روی دیگر

لیلا اسفندیاری و ماجراهای حیرت‌انگیز صعودهای انفرادی‌اش به مرتفع‌ترین قله جهان؛ فقط زمانی بر سر زبان‌ها افتاد که در بام جهان لغزیده و پایین افتاده بود.

همان‌جا که وصیت کرده بود اگر افتادم، بگذارید بمانم. می‌خواهم «بام جهان» آرامگاه ابدی‌ام باشد.

زنی که به خاطر انجام یک مصاحبه بدون روسری، محبوبیتی نزد مقامات ورزش ایران و فدراسیون کوهنوردی نداشت. آن‌ها که موفقیت‌های بین‌المللی ورزشکاران ایرانی را مصادره می‌کنند، در تمام این سال‌ها رغبتی به پوشش اخبار بانوی بی‌نظیر کوهنوردی ایران نداشتند.

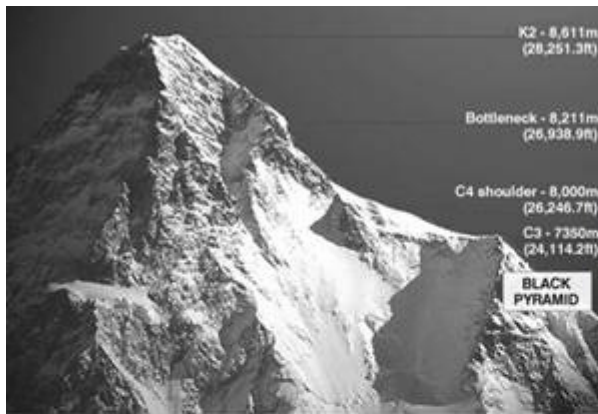
جستجویی در خبرگزاری های دولتی و آرشیو و سایت فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران، گواه این موضوع است.

جایی که حتی خبر صعودهای تفریحی و دسته جمعی به «اشترانکوه» نیز شرح داده شده اما درباره تنهایی لیلای ایران در کمپ K ۲ و در میان تیم های مجهز کوهنوردی اتریش، ایتالیا، آمریکا و کره جنوبی، چیزی نوشته نشده است!

در فیلمی که به تازگی از تلاش لایلا برای صعود به «کی دو» پخش شده نشان میدهد زن تنهای ایرانی در پاکستان، جایی که تیم های اروپایی، آمریکایی و آسیایی با تجهیزات و تدارکات کامل آمده اند؛ دوربین را به روی گام های نخستش بر ارتفاعات کی دو گرفته و نفس نفس زنان می گوید: «وقتی که شروع کردم کوله پشتی نداشتم. کفش و کیف کوهنوردی را قرض می گرفتم و لباس کوهنوردی را از تاناکورا (اجناس بنجل و دست چندم) خریدم.»

«گاهی که از صعودهایم برمی گشتم پول کافی برای تردد نداشتم و خیلی وقت ها پس از صعود، نمی توانستم یک فنجان چایی بخرم. اما نخواستم متوقف شوم. حالا من اینجا هستم. زیرا زن ایرانی می تواند.»





لیلا اسفندیاری

در اندیشه

K2

جوزپه پمپلی کوهنورد ایتالیایی که به همراه فابریزیو و ساموئل هنگام برگشت از قله گاشربروم 2 شاهد حادثه تلخ سقوط لیلا بود در ستایش او در اسکار دو اینطور می نویسد:



او یک زن زیبای ایرانی بود ، تصمیم گرفته بود که صعود کند حتی به تنهایی و در مقابل همه چیز ، بر علیه بروکراسی حاکم بر کشورش که جایگاهی برای کوهنوردان مستقل قائل نیست علی الخصوص وقتیکه فدراسیون قدرتمندی در رأس باشد. تابستان گذشته در K2 به من گفت که مجبور شده آپارتمانش در تهران را بفروشد و مجدداً با خانواده اش زندگی کند فقط برای اینکه به آرزویش جامه عمل بپوشاند و به آن اکسپدیشن پرهزینه بپیوندد ، متأسفانه هیچیک از ما سال گذشته موفق به صعود نشد و امسال لیلا بر روی گاشربروم 2 تلاش کرد. نمی دانم و ممکن که عامل اصلی سقوط او را هرگز ندانیم ، ناخوشی غیر مترقبه ، رهائی کارگاه ، خستگی ، ... ولی من فکر می کنم که چندان مهم نباشد که پی به عامل اصلی ببریم ، چیزی که مهم است فقدان یک شخص است ، یک دوست که تا همین دیروز با ما بود ، حالا هیچ چیز باقی نمانده جز خاطره ای برای کسانی که او را دوست داشتند. عمگین می شوم که می بینم تنها زنی که بر گاشربروم 2 تلاش کرد از میان ما رفت ، در میان اینهمه کوهنورد مغرور لیلا تنها کسی بود که شایستگی آنرا داشت . باشد که سرآغازی باشد بر آزادی زنان سرزمین او .

سروها ایستاده می میرند
تقدیم به کسی که ایستاده رفت....
و هیچوقت شکست را قبول نکرد...